

هنجاریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و بررسی رابطه آن با تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان

تاریخ دریافت مقاله: 1403/8/8 تاریخ پذیرش مقاله: 1403/11/23

بهمن اسماعیلی انامق¹، سجاد بشرپور^{2*}

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: افراطی‌گری و خشونت مهمترین چالش بشری در جهان است. هدف پژوهش هنجاریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و بررسی رابطه آن با تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان بود.

روش: روش پژوهش توصیفی بود. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه‌های شهر تبریز در سال تحصیلی 1402-1403 بود. طبق نظر کلاین (2010)، 417 نفر (250 مرد و 167 زن) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردید. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل مقیاس‌های محقق‌ساخته افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان بود که در این پژوهش ساخت و هنجاریابی گردید. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل عاملی اکتشافی و رگرسیون تحلیل گردید.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی با تحلیل مؤلفه‌های اصلی و روش چرخش واریماکس منجر به استخراج دو عامل تأیید افراط‌گرایی و تأیید ابزارهای خشونت/ غیرقانونی شد. دو عامل استخراج شده 58/42 درصد واریانس کل متغیرها را تبیین می‌کنند. روایی همگرا این مقیاس با مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان تأیید گردید ($R=0/77$, $P<0/01$). پایایی کل مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، خرده مقیاس تأیید افراط‌گرایی و تأیید ابزارهای خشونت/ غیرقانونی به ترتیب 0/90، 0/81 به دست آمد. پایایی کل مقیاس به روش بازآزمایی ($R=0/78$) بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها حاکی از آن است که مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز یک ابزار معتبر و قابل اعتماد برای استفاده در جامعه ایران است. اغلب افراد دارای نگرش‌های افراطی خشونت‌آمیز، گرایش به خشونت اجتماعی علیه زنان دارند. اغلب آنها از خشونت اجتماعی علیه زنان حمایت می‌کنند و استفاده از روش‌های خشن و غیرقانونی را مجاز می‌دانند.

کلمات کلیدی: افراطی‌گری، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، خشونت اجتماعی علیه زنان.

1. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

2. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

* نویسنده مسئول: basharpoor_sajjad@yahoo.com



Standardization the Scale of Violent Extremism and Study its Relationship with the Approval of Social Violence Against Women

Received: 2024/10/29

Accepted: 2025/02/11

Bahman Esmaeili Anamagh¹, Sajjad Basharpour^{2*}

Original Article

Abstract

Introduction: Extremism and violence remain critical global challenges. This study aimed to standardize a scale for measuring violent extremism and explore its correlation with the endorsement of social violence against women.

Method: The study utilized a descriptive research design. The target population consisted of university students in Tabriz during the 2023-2024 academic year. Following Klein (2010), a sample of 417 participants (250 men and 167 women) was selected through multi-stage cluster sampling. Data were collected using two researcher-developed tools: a violent extremism scale and a scale measuring the endorsement of societal violence against women, both constructed and standardized in this study. Data analysis involved Pearson correlation, exploratory factor analysis, and regression techniques.

Results: Exploratory factor analysis, employing principal component analysis with Varimax rotation, identified two factors: "endorsement of extremism" and "approval of violence and illegal methods." Together, these factors accounted for 58.42% of the total variance. The violent extremism scale demonstrated strong convergent validity with the social violence endorsement scale against women ($r=0.77$, $P<0.01$). Reliability coefficients were robust, with Cronbach's alpha values of 0.89 for the overall violent extremism scale, 0.90 for the endorsement of extremism subscale, and 0.81 for the approval of violence-illegal methods subscale. Test-retest reliability was also confirmed ($R=0.78$).

Conclusion: The findings establish the violent extremism scale as a valid and reliable tool for assessing attitudes in Iranian society. Individuals exhibiting violent extremist tendencies showed a significant inclination to endorse social violence against women, often justifying the use of violent and illegal means.

Keywords: Extremism, Violent Extremism, Social Violence Against Women.

1. PhD student, Department of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

2. Professor, Psychology Department, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

* Corresponding Author: basharpour_sajjad@yahoo.com

مقدمه

افراط‌گرایی خشونت‌آمیز¹ طبق نظر دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد² (2018) به تهدیدی جدی برای جوامع در سراسر جهان تبدیل شده است. این امر بر امنیت و رفاه بسیاری از افراد ساکن در کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه و راه‌های صلح‌آمیز و پایدار آنها تأثیر می‌گذارد. امروزه افراط‌گرایی خشونت‌آمیز از عوامل اساسی نگرانی‌های اجتماعی، آموزشی و امنیتی در میان محققان و سیاست‌گذاران است (البدینه³، 2023). افراط‌گرایی منجر به ناامنی سیاسی و اجتماعی جدی است که آزادی مدنی، فعالیت‌های اقتصادی و زندگی شهروندان به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان و اقلیت‌ها را تهدید می‌کند (اورنیه، نانیلو و اگنو⁴، 2024). افراط‌گرایی پدیده‌ای است که نمی‌توان به آسانی آن را تعریف کرد. شوپ و پری⁵ (2021) آن را مفهومی می‌دانند که اختلاف‌نظر در تعریف آن بیشتر است. در ادبیات پژوهشی در مورد اینکه افراط‌گرایی دقیقاً چه چیزی را شامل و چه چیزی را شامل نمی‌شود، اختلاف‌نظر وجود دارد (لو⁶، 2017). در متون علمی تصدیق شده است که تعاریف ممکن است تحت تأثیر تعصبات نژادی، مذهبی و سیاسی باشد که منعکس‌کننده انگیزه‌ها و دیدگاه‌های سیاسی سازندگان آنها است (سیان⁷، 2017). اگرچه اصطلاحات توصیفی بیشتری مانند «افراط‌گرایی خشونت‌آمیز» و «افراط‌گرایی راست»⁸ ممکن است زمینه و تعریف روشنی داشته باشند، اما هنوز شکاف‌هایی در درک مفهوم این پدیده‌ها وجود دارد (چرمک⁹ و همکاران، 2022). افراط‌گرا طبق فرهنگ لغت میراث آمریکایی¹⁰ «کسی است که از اقدامات فراتر از هنجار به ویژه در سیاست حمایت می‌کند یا به آن متوسل می‌شود». افراط‌گرایی در سطوح فردی، گروهی و اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (برگر¹¹، 2019). مفهوم‌سازی اوزر و برتلسن¹² (2018) از افراط‌گرایی نشان می‌دهد که نگرش‌های افراطی به طور پویا در امتداد دو بعد مرتبط به هم توسعه می‌یابند: 1. تأیید تغییرات عمیق و جامع در سطح فردی و اجتماعی 2. عدم تحمل نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی که به این تغییرات فردی و اجتماعی اعتراض دارند. در این مفهوم، عدم تحمل شامل امتناع از احترام به عقاید مخالف عقاید خود و به همین ترتیب، امتناع از احترام به اعضای گروه‌های اجتماعی دارای عقاید متفاوت از عقاید خود است. در رابطه با ماهیت افراط‌گرایی، تحقیقات عدم تحمل از روی تعصب را نشان می‌دهند که در آن باورهای ایدئولوژیک متفاوت از باورهای خود از سوی افراط‌گرایان سیاسی (چپ و راست) قابل تحمل نیستند (وان پروجن¹³، 2017). مطابق با این مفهوم، افراط‌گرایی می‌تواند به عنوان گرایش شدید به پیگیری تغییرات جهانی و فراگیر در زندگی خود و زندگی مشترک از نظر اجتماعی - فرهنگی تعریف شود تا جایی که از نظر فرهنگی و یا اجتماعی نگرانی به هم‌نوع و درک متقابل هم‌نوع کنار گذاشته می‌شود (برتلسن، 2018). براین اساس به نظر برتلسن (2016) افراطی‌گری شامل نگرش نسبت به ساختن یا بازسازی زندگی و بافت اجتماعی و فرهنگی خود به روشی کاملاً متفاوت با وضع جاری است و همچنین شامل عدم تحمل و نادیده گرفتن نگرانی‌های عمیق اجتماعی در زندگی مشترک اجتماعی است. عمده‌تاً این تعریف تأکید می‌کند که افراط‌گرایی به خودی خود همیشه با اعمال خشونت‌آمیز و جنایتکارانه همراه نیست، مثلاً

1. Violent Extremism
2. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)
3. Al-Badaynah
4. Oranye, Nnonyele & Ughenu
5. Schweppe & Perry
6. Lowe
7. Sian
8. Rightwing Extremism
9. Chermak
10. American Heritage Dictionary
11. Berger
12. Ozer & Bertelsen
13. Van Prooijen & Krouwel

در جوامع مذهبی که شخصیت افراطی صرفاً یک انشقاق فراگیر با شیوه‌های زندگی جاری همراه با بی‌علاقگی نسبت به گفتگو و عدم ارتباط با افراد دارای شیوه‌های زندگی متفاوت از خود دارد (اوز و برتلسن، 2018).

یکی از چالش‌های متعدد رویکرد علمی برای بررسی افراط‌گرایی دامنه پوشش زیادی است که این پدیده به بسیاری از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متنوع شامل می‌شود (اوز و برتلسن، 2018). دوسجه¹ و همکاران (2016) پنج نوع کلی افراط‌گرایی را براساس انگیزه‌های متفاوت ایدئولوژیکی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی مشخص می‌کنند: 1. ملی‌گرایانه یا جدایی‌طلب، 2. افراط‌گرایی راست، 3. افراط‌گرایی چپ، 4. افراط در موضوع واحد خاص، 5. افراط‌گرایی مذهبی. همه افراطی‌گری‌ها به سمت تغییر عمیق جامعه که در آن وضعیت موجود غیرقابل قبول است و به سمت اعتقاد به کارآمدی خشونت برای دستیابی به هدف جهت‌گیری می‌کنند (اشمید²، 2013). به علاوه انواع افراط‌گرایی با تأیید آرمان‌گرایانه هنجارها و ارزش‌های خود به عنوان جهان‌بینی برتر مشخص می‌شود که یک دوگانگی قوی درون‌گروهي در مقابل برون‌گروهي ایجاد می‌کند که می‌تواند خشونت علیه بیرون‌گروه را مشروعیت بخشد (دوسجه و همکاران، 2016). در این راستا می‌توان مفهوم افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را جهت درک موضوع مطرح کرد. افراط‌گرایی خشونت‌آمیز نوعی باور و فعالیت خشونت‌آمیز است که هدف آن ارتقای جایگاه یک گروه و در عین حال حذف یا تسلط بر «دیگران» بر اساس شاخص‌هایی مانند جنسیت، مذهب، فرهنگ و قومیت است (یک³ و همکاران، 2019). جمع‌بندی نتایج تحقیقات از سراسر جهان و مشاهدات تجربی در مورد ماهیت افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در تعریف فعلی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده⁴ (USAID) منعکس شده که مورد پذیرش همگانی واقع شده است. براین اساس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به آمادگی، حمایت یا مشارکت در خشونت با انگیزه ایدئولوژیک یا توجیه شده برای پیشبرد اهداف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی سفت و سخت، غیرقابل انعطاف و متعصبانه اشاره دارد (پراچا، ایوب، خان، فاروق و زهرا⁵، 2017). افراد افراط‌گرا گرایش به طبقاتی کردن جامعه، ایجاد تمایزات شدید بین گروه‌ها و اعتقاد به «ما» در مقابل «آنها» دارند. یک ذهن افراطی به جای اذعان به پیچیدگی دنیای اجتماعی به طبقه‌بندی سفت و سخت و مستقیم حقایق روی می‌آورد و از تهدید و تحریک خشونت در جهت اهداف ایدئولوژیک، جهان‌بینی متعصبانه و آرمان‌های افراطی خود استفاده می‌کند (دیکو⁶ و همکاران، 2018).

آنچه در افراط‌گرایی خشونت‌آمیز نیاز به بررسی و اهمیت توجه دارد، بررسی نقش افراط‌گرایی در پیش‌بینی خشونت علیه زنان است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 1993 و اعلامیه «حذف خشونت علیه زنان» خشونت علیه زنان را شامل هرگونه عمل خشونت‌آمیز بر پایه جنسیت که بتواند منجر به آسیب فیزیکی (بدنی)، جنسی یا روانی زنان شود تعریف کرده است و آن را شامل «تهدید به اعمالی، اعمال اجبار یا سلب مستبدانه آزادی چه در اجتماع و چه در زندگی شخصی می‌داند (ریچاردسن، سنتونگو و سنتونگو⁷، 2024). در سال‌های اخیر، مفهوم «افراط‌گرایی زن‌ستیزانه» به عنوان موضوعی مورد توجه در میان محققان، دولت‌ها، کارکنان مجری قانون و رسانه‌ها مطرح شده است (اوهانلون⁸ و همکاران، 2024). فرض این است که یک رابطه ناشناخته بین زن‌ستیزی و اعمال افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در سراسر جهان در سال‌های اخیر وجود دارد. چنانکه برخی از اولین نشانه‌های گسترش و نفوذ گروه‌های افراطی در یک منطقه، یک تغییر سریع و رادیکال در عقب‌نشینی حقوق زنان از لباس، پویایی اجتماعی و تحصیل بود. نقض حقوق زنان نه فقط ایدئولوژی آنها بلکه جزو تاکتیک‌های این سازمان‌های افراطی است. دولت اسلامی

1. Doosje

2. Schmid

3. Bak

4. United States Agency for International Development

5. Peracha, Ayub, Khan, Farooq & Zahra

6. Dicko

7. Richardsen, Ssentongo & Ssentongo

8. O'Hanlon

داعش در غرب عراق و سوریه، بردگی جنسی زنان را مدون کرد. بوکوحرام در نیجریه به ربودن دختران مدرسه‌ای و استفاده از زنان و دختران به عنوان بمب‌گذار انتحاری معروف است و الشباب سومالی، دولت اسلامی داعش و بوکوحرام همگی به وادار کردن زنان به ازدواج با جنگجویان خود شناخته شده‌اند (دiaz و والجی¹، 2019). اقدامات خشونت‌آمیز افراط‌گرایان شامل سنگسار یا شلاق زدن علنی زنان و همچنین اقدامات افراطی مانند قتل ناموسی زنانی است که منطبق بر عقاید افراطی آنها رفتار نکرده‌اند (داود²، 2015). اندیشه افراط‌گرایان پیوسته به انحطاط اخلاقی مشغول است که معمولاً بر رفتار، پوشش و تماس زنان با مردان دیگر خارج از خانواده تمرکز دارد (آلسینا، بروشی و فیرارا³، 2021). همچنین خشونت علیه زنان به عنوان پدیده‌ای سیاسی است که هدف آن اعمال تابعیت زنان و حمایت از سلطه مردان است (دiaz و والجی، 2019). از سوی دیگر افراط‌گرایان جنبش زنان را عامل نقض حقوق و موقعیت مردان تلقی می‌کنند. در کل، این ایده که قدرت و کنترل مردان ممکن است از بین رفته باشد، احساس قربانی بودن می‌کنند که نظریه واکنش مردانه⁴ در تأیید این موضوع است (آلسینا و همکاران، 2021). زن‌ستیزی و روش‌های مختلف خشونت علیه زنان در واقع توسط یک ایدئولوژی افراطی هدایت می‌شود که نمی‌توان آن را بی‌ارتباط با مفهوم افراط‌گرایی خشونت‌آمیز دانست که به دنبال اعمال تابعیت زنان برای حمایت از یک نظام اعتقادی مردسالار است (روتوالر، کلموو و گیل⁵، 2024). تحقیقات تجربی نوظهور نشان می‌دهد، نگرش‌ها و رفتارهای زن‌ستیزانه ظاهراً در اشکال مختلف افراط‌گرایی خود را نشان می‌دهند و زن‌ستیزی بخش اصلی ایدئولوژی‌های افراطی خشونت‌آمیز از جمله ایدئولوژی برتری‌طلبی مردانه است (کاریان، دی‌برانکو و ابین⁶، 2022). گزارش سرویس مخفی ایالات متحده آمریکا⁷ (2022) افراط‌گرایی زن‌ستیز را به عنوان «ایدئولوژی مبتنی بر جنسیت» تعریف می‌کند و افراط‌گرایی زن‌ستیز را با برتری مردانه یکی می‌داند (اوهانلون و همکاران، 2024). هنجارهای برتری‌طلبانه و سخت‌گیرانه مردسالارانه و نقش‌های جنسیتی عناصر مشترکی هستند که زیربنای ایدئولوژی‌های افراطی متفاوت هستند (روتوالر و همکاران، 2024). روتوالر و همکاران (2024) در پژوهشی با موضوع پیوندهای بین زن‌ستیزی، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و خشونت مبتنی بر جنسیت با انجام تحلیل‌های مبتنی بر نظرسنجی به این یافته دست یافتند که زن‌ستیزی پیش‌بینی‌کننده نیات افراطی خشونت‌آمیز، تمایل به درگیر شدن در خشونت بین‌فردی و افزایش حمایت از خشونت علیه زنان از طریق برنامه‌ریزی انتقام‌جویانه است و عامل پیش‌بین مردانگی بیش از حد در مردانی است که احساس نقض حقوق و تهدیدهای بزرگ‌تر برای جنسیت خود دارند. نویسندگان مختلف مکرراً افراد زن‌ستیز را به پیروی از یک طرز فکر یا سیستم اعتقادی «افراطی» توصیف می‌کنند (ادونل و شور⁸، 2022؛ توربرن⁹ و همکاران، 2022). توربرن و همکاران (2022) بیان می‌کنند که افراد زن‌ستیز «مسلماً افراطی‌تر» هستند و آن را به یک سلسله مراتب اجتماعی سفت و سخت مبتنی بر ایدئولوژی برتری مردانه نسبت می‌دهند. رز، فلود و آلفانو¹⁰ (2020) استدلال می‌کنند که گروه‌های مردسالارانه یا افراد زن‌ستیز ممکن است شکل جدیدی از افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با انگیزه ایدئولوژیکی باشند. تحقیقات مرکز جنسیت، صلح و امنیت دانشگاه موناش¹¹ در سه کشور آسیایی نشان داد که حمایت از خشونت علیه زنان و نگرش‌های جنسیتی خصمانه در مقایسه با نقش اعتقادات افراطی مذهبی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای افراط‌گرایی خشونت‌آمیز هستند (دiaz و والجی، 2019). از آنجا که زن‌ستیزی و مردسالاری

1. Díaz & Valji

2. Dowd

3. Alesina, Brioschi & La Ferrara

4. Male backlash theory

5. Rottweiler, Clemmow & Gill

6. Carian, DiBranco, & Ebin

7. United States Secret Service report

8. O'Donnell, & Shor

9. Thorburn

10. Roose, Flood & Alfano

11. Monash Gender, Peace & Security Center

عمیقاً در بسیاری از جوامع راست افراطی جا افتاده است، برخی تحلیل‌ها افراط‌گرایی زن‌ستیزانه را به افراط‌گرایی راست¹ مرتبط می‌کنند (دیکوک و کلی²، 2022؛ جنتری³، 2022). محققان خاطرنشان می‌کنند که افراط‌گرایان راست در ایالات متحده امریکا که دارای جهان‌بینی برتری سفیدپوستان هستند، سلسله مراتب جنسیتی سفت و سخت را تأیید می‌کنند و از نظام‌های اجتماعی که به برتری مردها باور دارند، حمایت می‌کنند (اوهانلون و همکاران، 2024). مطالعه دیگری افراط‌گرایی زن‌ستیزانه را به افراط‌گرایی اسلامی مرتبط می‌کند (کارداش و یسیلتاش⁴، 2017). ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که برخی از مسلمانان جهان دارای دیدگاهی تحریف‌یافته و متفاوت از اسلام هستند و معتقدند که اعمال خشونت‌آمیز وظیفه دینی آنهاست (باسدور، شفرکنت⁵، 2019). درحالی که اسلام دین میانه‌روی و اعتدال است و افراط‌گرایی را به شدت منع می‌کند و افراط‌گرایی نقطه مقابل عقلانیت و شریعت است (بهشتی، 1393). قرآن در سوره مائده و آیه 77 افراطی‌گری را نفی می‌کند و می‌فرماید «بگو ای اهل کتاب! در دین خود، غلو [و زیاده‌روی] نکنید و غیر از حق نگوئید و از هوس‌های گروهی که پیشتر گمراه شدند و بسیاری را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید».

از آنجایی که افراط‌گرایی خشونت‌آمیز پدیده‌ای چالش‌برانگیز برای مفهوم‌سازی و عملیاتی‌سازی بوده است، اقدامات مختلفی در این زمینه مورد نیاز است تا زمینه پژوهش‌های میدانی و تجربی در این زمینه مهیا شود. افراط‌گرایی به‌عنوان یک اصطلاح بحث‌برانگیز و ناهمگون در حال حاضر به یک پایه تجربی و علمی نیاز دارد. یک گام در جهت ایجاد چنین زمینه‌ای برای تحقیق، توسعه معیارهای قابل اعتماد و معتبر از جنبه‌های اصلی افراط‌گرایی خشونت‌آمیز است. در این راستا این پژوهش مقیاسی را طراحی و هنجاریابی می‌کند که افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را اندازه‌گیری کند. در اخیر برخی پژوهش‌ها با هدف ساخت مقیاس‌هایی برای بهره‌برداری از جنبه‌های مختلف پدیده پیچیده افراط‌گرایی خشونت‌آمیز توسعه یافته‌اند. اما پژوهش‌ها در این زمینه به برخی زمینه‌های سیاسی یا مذهبی یا گروه خاصی وابسته بودند. با این حال، این پژوهش‌ها منجر به تولید ابزار سنجش جامع و موفق در این خصوص نشدند. این امر اهمیت و ضرورت توسعه مقیاسی برای سنجش مفهوم افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را آشکار می‌کند. لذا به لحاظ اهمیت موضوع، از اهداف مطالعه حاضر توسعه و اعتبارسنجی مقیاسی مرتبط با جنبه‌های اصلی افراط‌گرایی خشونت‌آمیز است. از سوی دیگر در حالی که افراط‌گرایی منجر به مشکلات اجتماعی به خصوص برای زنان است، اما تحقیقات مبتنی بر داده‌های میدانی در مورد خشونت علیه زنان کم است. لذا این پژوهش قصد دارد در کنار آن تأثیر افراط‌گرایی خشونت‌آمیز بر نگرش به خشونت اجتماعی علیه زنان را بررسی کند. بنابراین هدف کلی پژوهش ساخت و هنجاریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و بررسی رابطه آن با تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان است.

روش

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل همه دانشجویان دانشگاه‌های شهر تبریز در سال تحصیلی 1402-1403 بود. روش نمونه‌گیری از جامعه فوق نمونه‌گیری به روش تصادفی چند مرحله‌ای بود. بدین صورت که از بین دانشگاه‌های شهر تبریز تعداد دو دانشگاه آزاد و دولتی شهر تبریز به طور تصادفی انتخاب شد و سپس از هر دانشگاه 2 دانشکده به طور تصادفی انتخاب شد و دانشجویان داوطلب به عنوان نمونه در پژوهش شرکت کردند. شرکت‌کنندگان در پژوهش از رشته‌های فنی و مهندسی و گروه ادبیات و علوم انسانی بودند. به نظر کلاین (2010) در تحلیل عاملی اکتشافی برای هر متغیر

1. Far-Right Extremists
2. DeCook & Kelly
3. Gentry
4. Kardaş & Yesiltaş
5. Basedau & Schaefer-Kehnert

10 یا 20 نمونه لازم است، اما حداقل حجم نمونه 200 قابل دفاع است. در این پژوهش مجموع گویه‌های مقیاس‌های استفاده شده در پژوهش به تعداد 20 گویه بود. با در نظر گرفتن 20 نمونه طبق نظر کلاین¹ (2010) برای هر 20 گویه مقیاس‌ها، حجم نمونه 400 نفر کافی است، اما جهت ارتقاء اعتبار پژوهش داده‌های 417 نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش تحلیل شد. معیارهای ورود به مطالعه شامل داشتن رضایت شرکت در پژوهش، در حال تحصیل بودن در یکی از مقاطع مختلف تحصیلی و درک کامل هدف از شرکت در پژوهش بود. معیارهای عدم ورود به پژوهش شامل فقدان علاقه به پاسخدهی به پرسش‌نامه و تکمیل ناقص آن بود. داشتن اختیار و ورود و خروج از پژوهش، حفظ رازداری و امانتداری از ملزومات اخلاقی پژوهش بود.

در این پژوهش طراحی و هنجاریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز طبق روش لenz² (2010) در 4 مرحله انجام گرفت: 1. تعریف مفهوم افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با بررسی هدفمند مقالات و پژوهش‌های موجود 2. طراحی گویه‌های مقیاس با بهره‌گیری از منابع موجود در ایران و سایر کشورها 3. تعیین روایی مقیاس 4. تعیین پایایی مقیاس. جهت بررسی روایی مقیاس از سه روش روایی صوری، روایی سازه و روایی همزمان استفاده گردید. در راستای روایی صوری و محتوایی مقیاس با توجه به مفهوم افراط‌گرایی خشونت‌آمیز مطالعه هدفمند پژوهش‌ها، متون معتبر و مرتبط با افراط‌گرایی و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در منابع داخلی و خارجی و همچنین مقیاس‌های افراط‌گرایی موجود در منابع خارجی انجام یافت و لیستی از گویه‌های مرتبط با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به تعداد 24 گویه تهیه گردید. روایی صوری مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز توسط سه نفر از اساتید در علم روان‌شناسی و دو نفر از اساتید جامعه‌شناسی بررسی و تأیید شد. در بررسی روایی صوری مقیاس با حذف 8 گویه نامرتبط براساس توافق نظر داوران تعداد گویه‌ها به 16 گویه کاهش یافت که در نهایت بعد از تحلیل عاملی اکتشافی به دلیل بارعاملی پایین تعداد دو گویه حذف گردیده و تعداد گویه‌های مقیاس با 14 گویه نهایی گردید. گویه‌های مقیاس به صورت لیکرتی 5 گزینه‌ای کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم پاسخ داده می‌شود. برای (کاملاً موافقم) نمره 4 و (کاملاً مخالفم) نمره صفر تعلق می‌گیرد. نمره بالاتر افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را نشان می‌دهد. براین اساس دامنه نمرات فرد در کل مقیاس بین صفر تا 56 خواهد بود. بعد از آماده شدن مقیاس و تعیین گویه‌ها با کمک اساتید، مقیاس جهت تعیین پایایی و روایی محتوایی و بررسی انطباق گویه‌های مقیاس با هدف پژوهش، با پاسخدهی 100 نفر از شرکت‌کنندگان بررسی مقدماتی شد. بعد از اصلاح و تأیید گویه‌ها، مقیاس جهت جمع‌آوری اطلاعات در نمونه اصلی پژوهش توزیع گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات به‌دست آمده مورد بررسی قرار گرفت. در بررسی داده‌ها اگر در مقیاسی به بیش از 10 درصد گویه‌ها جواب داده نشده بود، از تحلیل حذف می‌شد. براین اساس تعداد 47 پرسش‌نامه از تحلیل کنار گذاشته شد و داده‌های بدون پاسخ براساس میانگین گویه‌ها جایگزین شد. با حذف پرسش‌نامه‌های ناقص تکمیل شده تعداد کل شرکت‌کنندگان از 464 به 417 نفر کاهش یافت. در ادامه به منظور تعیین روایی مقیاس و تعیین اینکه مقیاس آنچه را که برای آن ساخته شده است را مورد سنجش قرار می‌دهد، از روش روایی سازه استفاده شد. روایی سازه مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس بررسی شد. در تحلیل عاملی اکتشافی جهت تعیین مناسب بودن ضرایب همبستگی برای عامل‌یابی از آزمون بارتلت³ و جهت تعیین کفایت اندازه نمونه برای تحلیل عاملی از آزمون کایزر-مایر-اولکین⁴ (KMO) استفاده گردید. آزمون بارتلت نشان داد همبستگی درونی گویه‌ها برای تحلیل عاملی معنادار و مناسب است ($X^2=3207/79$, $df=91$, $p<0/001$). نتایج آزمون کایزر-مایر-اولکین ($KMO=0/89$)، به‌دست آمد، براین اساس کفایت حجم نمونه برای تحلیل عاملی اکتشافی به لحاظ اینکه بالاتر 0/70 است، مناسب بود (کایزر⁵، 1974).

1. Kline

2. Lenz

3. Bartlett's test

4. Kaiser-Mayer-Olkin

5. Kaiser

از ابزارهای سنجش به کار گرفته شده مقیاس 6 گویه‌ای مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان بود که روایی و پایایی آن بررسی و تأیید گردید. گویه‌های مقیاس عبارتند از: 1. من معتقدم علت خشونت علیه زنان، خود زنان است. 2. زنان مداوم نیازمند نظارت و کنترل هستند. 3. صرفاً محدودیت و محرومیت‌های خدمات اجتماعی می‌تواند در تمکین زنان به قانون کارساز باشد. 4. زنان توانایی آن را دارند در پست‌های تصمیم ساز حکومتی بکارگیری شوند. 5. زنان باید در عرصه‌های مختلف در جامعه حضور داشته باشند. 6. کلیه امتیازاتی که مردان در جامعه دارند، باید شامل زنان نیز باشد. پاسخدهی به گویه‌ها به صورت لیکرتی پنج درجه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است. حداقل نمره در این مقیاس 6 و حداکثر 30 است. کسب نمره بالا نشانگر دیدگاه مثبت به خشونت اجتماعی علیه زنان است. گویه‌های 4 تا 6 به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌گردد. روایی صوری و محتوایی مقیاس بر اساس مشورت با سه نفر از اساتید جامعه‌شناسی تأیید گردید. ساختار تک‌عاملی مقیاس براساس تحلیل عاملی اکتشافی تأیید شد. در تحلیل عاملی اکتشافی تمام گویه‌ها بر روی یک عامل دارای ارزش ویژه بالاتر از یک بارگیری شدند. عامل استخراج شده 69/59 درصد واریانس کل مقیاس را تبیین کرد و روایی سازه مقیاس تأیید گردید. همه گویه‌های مقیاس دارای همبستگی معناداری در سطح آماری ($P < 0/01$) با نمره کل مقیاس بودند و همسانی درونی مقیاس به روش آلفای کرونباخ 0/80 بود، لذا همسانی درونی مقیاس تأیید گردید. پایایی مقیاس به روش آزمون - بازآزمون به فاصله زمانی 15 روز 0/78 به‌دست آمد. همبستگی مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان با نمره کل افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در این پژوهش 0/77 به‌دست آمد که بیانگر روایی همگرا مقیاس است.

یافته‌ها

در این پژوهش، تعداد کل شرکت‌کنندگان 417 نفر بود که تعداد 250 نفر آن مرد و 167 نفر زن بودند. از لحاظ تحصیلات 75 درصد دانشجوی کارشناسی، 15 درصد دانشجوی کارشناسی‌ارشد و 10 درصد دانشجوی دکتری بودند. سن گروه نمونه پژوهش 28/40 و با انحراف معیار 8/34 بود. براساس جدول (1)، مردان در تمام متغیرهای پژوهش در مقایسه با گروه زنان نمرات بیشتری کسب کرده‌اند. نتایج همبستگی نشان می‌دهد خرده‌مقیاس‌های افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در ارتباط با هم و در ارتباط با کل مقیاس دارای روابط مثبت معنادار در سطح آماری ($P < 0/01$) است که این موضوع تأیید کننده همسانی درونی خرده مقیاس‌های افراط‌گرایی خشونت‌آمیز است.

**

جدول 1. یافته‌های توصیفی و همبستگی متغیرهای پژوهش

مؤلفه‌ها	گروه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	تأیید افراط‌گرایی	تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی	افراط‌گرایی خشونت‌آمیز
تأیید افراط‌گرایی	زنان	167	3/20	3/34	1	0/52 **	0/90 **
	مردان	250	4/89	3/21			
تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی	زنان	167	3	2/70	0/52 **	1	0/84 **
	مردان	250	4/60	2/65			
افراط‌گرایی خشونت‌آمیز	زنان	167	6/20	5/30	0/90 **	0/84 **	1
	مردان	250	9/49	5/70			
تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان	زنان	167	7/57	4/06	0/69 **	0/65 **	0/77 **
	مردان	250	11/45	3/98			

($P < 0/01$)

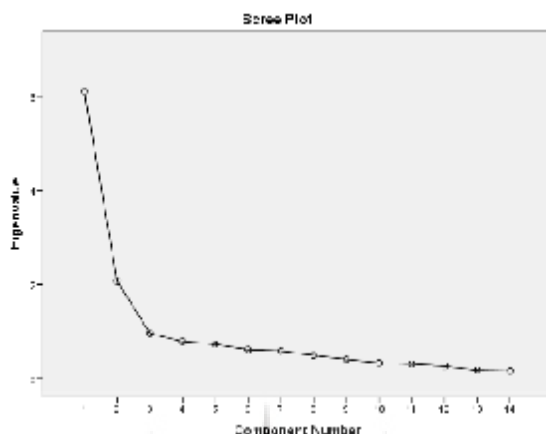
جدول 2. بارهای عاملی، ارزش ویژه، درصد تبیین واریانس و درصد تراکمی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز

ابعاد	گویه‌ها	گویه‌ها	عامل 1	عامل 2
تأیید افراط‌گرایی	2	تلاش برای یافتن راه‌حل‌های مشترک با کسانی که افکارشان در مورد نحوه زندگی کاملاً با ما متفاوت است، اتلاف وقت است.	0/84	
	4	زندگی مسالمت‌آمیز در کنار افرادی که دارای سبک زندگی متفاوت با ما هستند، اشتباه و غیراخلاقی است.	0/88	
	6	اکثر مردم در این کشور سبک زندگی و فرهنگی دارند که باید کاملاً تغییر کند.	0/88	
	11	در صورت ایجاد آزادی‌های اجتماعی و اندیشه، جامعه از مسیر رشد و تعالی خارج می‌شود.	0/59	
	14	نمی‌توان در کنار افرادی که سبک زندگی متفاوتی دارند، همیشه در صلح و آرامش زندگی کرد.	0/64	
	10	گردش آزاد اطلاعات و دسترسی آسان به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی باعث توسعه فساد است.	0/59	
	8	از مباحث و افرادی که اصول اعتقادی اینجانب را به چالش می‌کشد، دوری می‌کنم.	0/85	
تأیید ابراهام‌های خشونت/غیرقانونی	1	من معتقدم که پیروان سایر ادیان در کشور من حق ندارند دستورات دین خود را حتی در خانه‌های خود اجرا کنند.	0/61	
	3	استفاده از خشونت تنها روش کارساز است، وقتی که موضوع پیشبرد یک هدف برتر (ایدئولوژیک) باشد.	0/83	
	5	افرادی که دارای سبک زندگی مغایر با عرف اجتماعی هستند، باید از خدمات اجتماعی محروم شوند.	0/75	
	7	زیر پا گذاشتن قانون تنها چیزی است که جهت حفاظت از یک هدف برتر (ایدئولوژیک) برخی مواقع کارساز است.	0/76	
	9	گروه‌هایی از جامعه که دارای سبک زندگی مغایر با فرهنگ اصیل جامعه هستند، باید از حقوق خود محروم شوند.	0/51	
	12	قانون‌شکنی وقتی هدف حفاظت از یک هدف برتر اعتقادی است، مانعی ندارد.	0/51	
	13	استفاده از تهدید، خشونت و سرکوب بهترین روش کنترل اعتراض‌های اجتماعی است.	0/56	
ارزش ویژه			6/11	2/06
درصد واریانس تبیین شده			43/65	14/77
درصد واریانس تجمعی			43/65	58/42

در ادامه در تحلیل عاملی اکتشافی حداقل بار عاملی قابل قبول گویه‌ها برای یک عامل طبق دیدگاه هیر، آندرسون، تاتهام و بلک¹ (1998)، 0/40 در نظر گرفته شد. براین اساس از 16 گویه موجود تعداد 2 گویه به دلیل بار عاملی پایین حذف و تعداد 14 گویه تأیید شد. ابعاد مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در دو عامل قرار گرفت که هر کدام دارای 7 گویه است. براساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی بارعاملی تمام گویه‌های مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز بالاتر از 0/40 بوده و در سطح آماری ($P < 0/01$) معنادار بودند. بنابراین روایی سازه گویه‌های مقیاس تأیید می‌گردد. جدول 2، ارزش ویژه، مقدار تبیین واریانس و درصد واریانس تراکمی مقیاس افراط‌گری را نشان می‌دهد. دو عامل دارای ارزش بیشتر از 1 است. عامل اول 43/65 درصد واریانس و عامل دوم 14/77 درصد واریانس را تبیین می‌کند. دو عامل استخراج شده به صورت تراکمی 0/58 از واریانس کل را تبیین می‌کند. از آنجا که مقدار واریانس تبیین شده بیشتر از 0/50 است، بنابراین ساختار دو عاملی مقیاس یک ساختار مطلوب است. با توجه به

1. Hair, Anderson, Tatham & Black

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و همان طور که در نمودار سنگ‌ریزه در شکل 1 آشکار است دو عامل برای مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تأیید شد. براساس مضمون گویه‌ها و ادبیات موضوع عامل اول تأیید افراط‌گرایی و عامل دوم پذیرش ابزارهای خشونت / غیرقانونی نام‌گذاری گردید.



شکل 1. نمودار سنگ‌ریزه براساس تحلیل عاملی اکتشافی

جدول 3. یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی گویه‌های مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با نمره خرده مقیاس‌های خود و نمره کل (** $P < 0/01$)

متغیر	گویه‌ها	میانگین	D. S	خرده مقیاس	همبستگی با نمره کل مقیاس
تأیید افراط‌گرایی	2	0/48	0/60	**0/83	**0/72
	4	0/47	0/60	**0/85	**0/74
	6	0/45	0/59	**0/84	**0/73
	11	0/70	0/66	**0/74	**0/61
	14	0/75	0/61	**0/74	**0/72
	10	0/75	0/61	**0/71	**0/68
	8	0/47	0/59	**0/84	**0/73
متغیر	گویه‌ها	میانگین	S. D	خرده مقیاس	همبستگی با نمره کل مقیاس
تأیید ابزارهای خشونت / غیرقانونی	1	0/60	0/55	**0/58	**0/53
	3	0/29	0/52	**0/80	**0/66
	5	0/35	0/54	**0/75	**0/63
	7	0/32	0/52	**0/76	**0/63
	9	0/77	0/56	**0/65	**0/62
	12	0/73	0/60	**0/66	**0/62
	13	0/74	0/59	**0/70	**0/64

طبق جدول 3، همبستگی همه گویه‌ها با نمرات خرده مقیاس مربوط به خود و نیز کل مقیاس محاسبه شد، تمامی ضرایب همبستگی در سطح معناداری ($p < 0/01$) معنادار بودند. در واقع همه گویه‌های مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز از همسانی درونی لازم برخوردار هستند.

جدول 4. آلفای کرونباخ و پایایی بازآزمایی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز

مؤلفه‌ها	تأیید افراط‌گرایی	تأیید ابزارهای خشونت/ غیرقانونی	افراط‌گرایی خشونت‌آمیز
آلفای کرونباخ	0/90	0/81	0/89
پایایی بازآزمایی	0/80	0/75	0/78

براساس جدول 4 پایایی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به روش همسانی درونی با محاسبه آلفای کرونباخ برای تأیید افراط‌گرایی، تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی و کل مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به ترتیب 0/90، 0/81 و 0/89 به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب مقیاس است. پایایی مقیاس همچنین به روش اجرای مجدد آزمون برای 100 نفر به فاصله 15 روز بررسی گردید. طبق نتایج پایایی بازآزمون برای تأیید افراط‌گرایی، تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی و کل مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به ترتیب 0/80، 0/75 و 0/78 به دست آمد.

جدول 5. آزمون رگرسیون خطی ساده پیش‌بینی تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان براساس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز

متغیرهای پیش‌بین	Beta	B	T	P	R	ADJ.R ²
تأیید افراط‌گرایی	0/84	0/69	19/54	0/001	0/69	0/47
تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی	0/65	0/98	17/73	0/001	0/65	0/43
افراط‌گرایی خشونت‌آمیز	0/77	0/59	24/77	0/001	0/77	0/59

در راستای تأیید روایی سازه مقیاس از روش روایی همگرا استفاده شد. روایی همگرا مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان بررسی شد، نتایج همگرایی و روابط معنادار بین آنها نشان داد ($R = 0/77$, $p < 0/001$). براین اساس روایی سازه مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تأیید گردید (جدول 5). از اهداف پژوهش پیش‌بینی تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان براساس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و زیرمقیاس‌های آن بود. میزان R^2 تعدیل یافته نشان می‌دهد که در کل افراط‌گرایی خشونت‌آمیز 0/59 از واریانس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان را پیش‌بینی می‌کند. افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به همراه زیرمقیاس‌ها به صورت جداگانه تأیید خشونت علیه زنان را به صورت معنادار پیش‌بینی می‌کنند. براساس ضرایب رگرسیونی استاندارد (Beta) با افزایش یک انحراف استاندارد در نمره تأیید افراط‌گرایی، تأیید ابزارهای خشونت/غیرقانونی و نمره کل افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، نمره تأیید خشونت علیه زنان به ترتیب 0/84، 0/65 و 0/77 افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش با هدف ساخت و اعتباریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و بررسی رابطه آن با تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان انجام گرفت. در راستای ساخت و هنجاریابی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تعداد 16 گویه تأیید شده براساس نظر

صاحب‌نظران، به روش تحلیل عاملی اکتشافی تحلیل گردید. در تحلیل عاملی اکتشافی تعداد گویه‌های مقیاس با حذف دو گویه با نقطه برش بار عاملی کمتر از 0/4 به 14 گویه کاهش یافت. براساس تحلیل عاملی اکتشافی، ساختار دو عاملی از جمع گویه‌های مقیاس استخراج گردید که براساس ادبیات پژوهش و مضمون گویه‌ها دو خرده مقیاس به عنوان تأیید افراط‌گرایی و تأیید ابزارهای خشونت/ غیرقانونی نام‌گذاری گردید. ساختار دو عاملی مقیاس، همسو و در تأیید دیدگاه تمایز بین ایدئولوژی و کنش است. رابطه بین ایدئولوژی و کنش را می‌توان در افراط‌گرایی و خشونت نشان داد که این دو جنبه گاهی اوقات اما نه همیشه به هم مرتبط هستند، زیرا توسعه نگرش‌های افراطی چنان نیست که همیشه به یک مسیر کنش و اعمال واقعی منجر شود (برتلسن، 2018). در کل افراطی‌گری خشونت‌آمیز را می‌توان به عنوان فرآیندهای متنوع پذیرش تدریجی ایدئولوژی و کنش افراطی درک کرد (اوزر و برتلسن، 2018). در ادامه در راستای تأیید روایی سازه مقیاس از روش روایی همگرا استفاده گردید. نمره کل مقیاس و خرده مقیاس‌های افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در بررسی روایی همگرا با مقیاس تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان نشان داد دو مقیاس به لحاظ نظری دو موضوع مرتبط را می‌سنجند، بنابراین همگرایی دو مقیاس تأیید گردید. در راستای تأیید روایی سازه همانطور که نتیجه پژوهش نشان می‌دهد، مردان در مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز نسبت به زنان نمرات متفاوت کسب کردند و نمرات افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در آنها بیشتر بود که این نتیجه پژوهش براساس ادبیات پژوهش ازجمله مطالعات مسرشمیت¹ (2019) و رز، فلود، گریگ، آلفانو و کوپلند² (2022) حاکی از روایی افتراقی مقیاس است. هریک از گویه‌های مقیاس رابطه مثبت و معنادار با خرده مقیاس خود و کل مقیاس داشت و رابطه بین خرده‌مقیاس‌ها و رابطه هر خرده‌مقیاس با مقیاس کل نیز مثبت و معنادار بود که نشان می‌دهد مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز دارای همسانی درونی مناسب است. در این صورت می‌توان گفت هر یک از گویه‌ها در حال سنجش ساختار مشابهی هستند و پراکندگی مفهومی در آنها دیده نمی‌شود. با این حال هر یک از گویه‌های مقیاس با خرده مقیاس خود در مقایسه با نمره کل مقیاس مقدار همبستگی بیشتری دارد و این نشان می‌دهد که هریک از خرده مقیاس‌ها موضوع واحد و متفاوتی را در یک ساختار مشابه مورد سنجش قرار می‌دهند که نشان از روایی سازه و ساختار دو عاملی مقیاس است. ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌ها به منظور بررسی همسانی درونی بررسی شد. نتایج نشان دهنده پایایی عالی مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز بود. پایایی عالی به این مفهوم است که گویه‌های این مقیاس از تجانس و همخوانی لازم برخوردار است و با توجه به ساده و روان بودن عبارات مقیاس در شرایط مختلف نتایج یکسانی به‌دست می‌دهند. همچنین برای بررسی پایایی، روش بازآزمایی با فاصله 15 روز انجام شد، ضرایب همبستگی نمرات حاصل از دو آزمون حاکی از پایایی مقیاس بود. پایایی بازآزمایی بیانگر این است که نتایج این مقیاس کمتر نسبت به شرایط محیطی و حالات فرد دچار تغییرات می‌شود و در طول زمان ثابت دارد. براساس پایایی و اعتبار به‌دست آمده مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز یک مقیاس معتبر و پایا برای بررسی پدیده افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در جامعه ایران است.

در ادامه رابطه افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با تأیید خشونت اجتماعی علیه زنان بررسی گردید. نتایج پژوهش ضمن اینکه همگرایی دو مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و نگرش به خشونت اجتماعی علیه زنان را تأیید کرد، نشان داد، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز پیش‌بینی‌کننده گرایش به خشونت اجتماعی علیه زنان است. این یافته پژوهش همسو با یافته‌های مطالعات

1. Messerschmidt

2. Roose, Flood, Greig, Alfano & Copland.

کارداش و یسیلتاش¹ (2017)، روتوالیر و همکاران (2024) دیکوک و کلی (2022) و جنتری (2022) است که نشان دادند افراط‌گرایی با زن‌ستیزی و خشونت علیه زنان ارتباط دارد و زن‌ستیزی نمود بارز افراطی‌گری است.

فهم رابطه بین خشونت علیه زنان و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تا زمانی که درک جامع‌تری و در عین حال دقیق‌تری از مکانیسم‌های روان‌شناختی که زیربنای این نوع رفتارها هستند، صورت نگیرد، امکان پذیر نیست. یافته‌های پژوهش مشخص می‌کند که خشونت اجتماعی علیه زنان با مشارکت در انواع مختلف خشونت مرتبط است و به نظر می‌رسد که عوامل روان‌شناختی و مکانیسم‌های مشابهی وجود دارد. عوامل روان‌شناختی مشترک مکانیسم‌های بالقوه‌ای را روشن می‌کند و توضیح می‌دهد که چرا افراط‌گرایان خشن اغلب سابقه خشونت بین‌فردی و به ویژه خشونت شریک جنسی دارند. برخی روان‌شناسان بر این عقیده هستند که افراد خشن طرحواره‌های شناختی پرخاشگر یا الگوهای خاص تفکر دارند که موجب تداوم خشم آنها در کلیه روابط اجتماعی و حتی خشونت علیه زنان می‌گردد (نیکدل و جاودانیان، 1397). به طور کلی این پژوهش، نتایج پژوهش هامبی و گریچ² (2013) را تأیید می‌کند، مطالعات آنها نشان می‌دهد اشکال مختلف خشونت اغلب همزمان رخ می‌دهند زیرا آنها عوامل خطر مشترکی دارند و نشان‌دهنده مکانیسم‌های اساسی مشابهی است که انواع مختلفی از خشونت (مردانه) را هدایت می‌کنند.

در کل نتیجه پژوهش نشان داد، مقیاس افراط‌گرایی خشونت‌آمیز مقیاس معتبر و قابل اعتماد برای استفاده در فرهنگ ایران است و از این مقیاس می‌توان برای پژوهش میدانی افراط‌گرایی در میان جمعیت‌های عادی در سراسر گروه‌های اجتماعی و مذهبی استفاده کرد. همچنین این مقیاس، رابطه افراط‌گرایی خشونت‌آمیز با نگرش به خشونت اجتماعی علیه زنان را آشکار کرد. مهمتر از همه شناسایی مکانیسم‌های زیربنایی روان‌شناختی و کشف رابطه بین خشونت اجتماعی علیه زنان و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز ارزش کاوش بیشتر را دارد و شناسایی عوامل خطر مشترک حیاتی است. از سوی دیگر در پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌گردد مشخص شود چه چیزی می‌تواند خشونت «خصوصی» علیه زنان را از رفتارهای خشونت‌آمیز عمومی متمایز کند. در حالی که به نظر می‌رسد اعمال خشونت‌آمیز خصوصی و عمومی مردان به هم مرتبط هستند، اما مطمئناً این ارتباط کامل نیست. بنابراین، پیشنهاد است مطالعات آینده کشف کنند که کدام مکانیسم‌های روان‌شناختی زیربنای وقوع متمایز و وقوع همزمان خشونت علیه زنان و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز به صورت عمومی در میان مردان است.

علیرغم نتایج مفید این پژوهش در توسعه مرزهای دانش در شناخت ماهیت پدیده افراط‌گرایی و نقش آن در خشونت علیه زنان، چندین محدودیت باید در تحقیقات آینده مورد توجه قرار گیرد. اول اینکه مطالعه حاضر صرفاً مبتنی بر گزارش دانشجویان بود. بر این اساس یافته‌ها ممکن است به راحتی فراتر از زمینه مطالعه حاضر تعمیم داده نشوند. از این رو ما قویاً مطالعات آتی را پیشنهاد می‌کنیم تا ارتباط میان خشونت علیه زنان و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را در سایر زمینه‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز بررسی کنند. محدودیت دیگر ماهیت مقطعی داده‌های ما است. همچنین احتمال رابطه متقابل یا دوطرفه بین متغیرها وجود دارد. به طوری که قرار گرفتن در معرض روایت‌ها و محیط‌های افراطی خشونت‌آمیز، نارضایتی‌های شخصی و گروهی علیه زنان را تقویت می‌کند که به نوبه خود نگرش‌های زن‌ستیزانه و حمایت از خشونت علیه زنان را تقویت می‌کند. به همین ترتیب، مردانی که دارای نگرش‌های زن‌ستیزانه هستند ممکن است بیشتر در معرض افراط‌گرایی خشونت‌آمیز قرار گیرند، زیرا این امر ممکن است نگرش‌های بیش از حد مردانه و همچنین خصمانه نسبت به زنان را تقویت و تشدید کند. بنابه محدودیت مقطعی بودن داده‌های پژوهش و رابطه دوطرفه بین متغیرهای پژوهش در مطالعات توصیفی همبستگی پیشنهاد

1. Kardaş & Yesiltaş

2. Hamb & Grych

می‌شود مطالعاتی در خصوص عملیاتی کردن طرح‌های تحقیقاتی طولی و تجربی برای تعیین جهت زمانی مسیرهای پیشنهادی انجام یابد که می‌تواند روابط علت و معلولی را آشکار کند.

در پایان توصیه برای سیاست‌گذاران در جامعه شامل افزایش آموزش و آگاهی در میان مجریان قانون و کارشناسان مقابله و پیشگیری از خشونت درباره ماهیت افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و تاثیر آن در خشونت اجتماعی علیه زنان است. لازم است مکانیسم‌های قانونی و آموزشی برای تقویت عدالت جنسیتی در جامعه ارتقا یابد. نیاز است با خشونت‌های افراطی ناشی از جهان‌بینی‌های افراطی زن‌ستیزانه با به چالش کشیدن سیستم‌های بی‌عدالتی مانند ایدئولوژی مردسالاری در جامعه در راستای حمایت از حقوق زنان مقابله کرد. شایسته است سیاست‌گذارانی که در گزینش و بکارگیری کارکنان در نهادهای تصمیم‌ساز، نهادهای امنیتی و غیر امنیتی دخیل هستند، به پیامدهای منفی بکارگیری افرادی با گرایش‌های انحرافی و افراطی دینی و... آگاهی لازم را داشته باشند تا از آثار فاجعه‌بار آن مانند ضایع شدن حقوق اجتماعی زنان و به تبع آن از آسیب انسجام و وفاق ملی در جامعه جلوگیری گردد.

منابع

- بهشتی، احمد. (1393). افراط‌گرایی، نقطه مقابل عقلانیت و شریعت. مجله عقل و دین، 6(11)، 7-27.
- نیکدل، فریبرز و جاودانیان، صادق. (1398). طرحواره‌های شناختی پرخاشگر، شیوه‌های کنترل خشم و رضایت جنسی با گرایش مردان به خشونت علیه زنان. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، 9(33)، 35-52.
- Alesina, A., Brioschi, B., & La Ferrara, E. (2021). Violence against women: a cross-cultural analysis for Africa. *Economica*, 88(349), 70-104.
- Al-Badaynah, D. M., Alshaw, A. A., & Ekici, S. (2023). Youth Violent Extremism: Scale Development and Validation. *Creative Commons CC BY license*. 2-16. Doi: 10.20944/preprints 202302. 0355.v1
- American Heritage Dictionary. (n.d.-b). *Extremist*. Retrieved July 23, 2020, from <https://ahdictionary.com/word/search.html?q=extremist>
- Basedau, M. & Schaefer-Kehnert, J., (2019). Religious discrimination and religious armed conflict in sub-Saharan Africa: An obvious relationship? *Religion, State and Society*, 47(1), 30-47.
- Bak, M., K. N. Tarp, and C. S. Liang. (2019). *Defining the Concept of Violent Extremism”: Delineating the Attributes and Phenomenon of Violent Extremism*. Geneva: Geneva Centre for Security Policy.
- Berger, J. M. (2019). *Researching violent extremism: The state of play*. Washington, DC: Resolve Network.
- Bertelsen, P. (2018). Mentoring in anti-radicalization. LGT: a systematic assessment, intervention and supervision tool in mentoring. In: Overland, G., Salomonsen, J., Andersen, A., EnghFørde, K., & Grødum K. (Eds.), *Processes of violent extremism. International and interdisciplinary perspectives*. Newcastle, UK: Cambridge Scholars publishing.
- Bertelsen, P. (2016). Voldelig radikaliserings. ET systematisk overblik over risikofaktorer og en teoretisk model i Tilværelsespsykologiens optik. In *Tværfagligt samarbejde om udsatte børn og unge: En studiebog* (pp. 129-178). Turbine Akademisk.
- Carian, E. K., A. DiBranco, and C. Ebin. (2022). *Male Supremacism in the United States*. Abingdon, UK: Routledge.
- Chermak, S., Freilich, J. D., Parkin, W. S., Gruenewald, J., Mills, C., Klein, B. ... & Duran, C. (2022). Far-right extremist violence in the United States. In *Right-wing extremism in Canada and the United States* (pp. 301-326). Cham: Springer International Publishing.
- DeCook, J. R., & Kelly, M. (2022). Interrogating the “incel menace”: Assessing the threat of male supremacy in terrorism studies. *Critical Studies on Terrorism*, 15(3), 706-726.

- Díaz, P. C., & Valji, N. (2019). Symbiosis of misogyny and violent extremism. *Journal of International Affairs*, 72(2), 37-56.
- Dicko, A., Mousa, I., Oumaro, I., & Issaka, M., (2018). *International Organization for Migration*, p. 1. Retrieved from https://publications.iom.int/system/files/pdf/youth_violence_en.pdf
- Doosje, B., Moghaddam, F. M., Kruglanski, A. W., de Wolf, A., Mann, L. & Feddes, A. R. (2016). Terrorism, radicalization and de-radicalization. *Current Opinion in Psychology*, 11, 79-84.
- Dowd, C. (2015). Grievances, governance and Islamist violence in sub-Saharan Africa. *The Journal of Modern African Studies*, 53(4), 505-531.
- Fox, J. A., Levin, J., & Fridel, E. E. (2023). *Extreme killing: Understanding serial and mass murder*. Sage Publications.
- Gentry, C. E. (2022). Misogynistic terrorism: It has always been here. *Critical Studies on Terrorism*, 15(1), 209-224.
- Hamby, S. L., and Grych, J. H. (2013). Tracing the Threads of the Web: The Epidemiology of Interconnections among Forms of Violence and Victimization. *Web of Violence* (pp. 8-27). New York, NY, USA: Springer.
- Hair, J. F., Anderson, R. E., Tatham, R. L., & Black, W. C. (1998). *Multivariate data analysis*, (5th ed.). Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.
- Kardaş, T., & Yesiltaş, M. (2017). Rethinking Kurdish geopolitical space: The politics of image, insecurity and gender. *Cambridge Review of International Affairs*, 30(2-3), 256-282.
- Kaiser, H. F. (1974). An index of factorial simplicity. *Psychometrika*, 39(1), 31-36.
- Kline, R. B., (2010). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*, NY: Guilford Press.
- Lenz, E. R. (2010). *Measurement in nursing and health research*. Springer publishing company.
- Lowe, D. (2017). Prevent strategies: The problems associated in defining extremism: The case of the United Kingdom. *Studies in Conflict & Terrorism*, 40(11), 917-933.
- Messerschmidt, J. W. (2019). The salience of “hegemonic masculinity”. *Men and masculinities*, 22(1), 85-91.
- Messerschmidt, J. W. (2019). The salience of “hegemonic masculinity”. *Men and masculinities*, 22(1), 85-91.
- O'Donnell, C., & Shor, E. (2022). “This is a political movement, friend”: Why “incels” support violence. *The British Journal of Sociology*, 73(2), 336-351.
- O'Hanlon, R., Altice, F. L., Lee, R. K. W., LaViolette, J., Mark, G., Papakyriakopoulos, O. ... & Kumar, N. (2024). Misogynistic extremism: a scoping review. *Trauma, Violence, & Abuse*, 25(2), 1219-1234.
- Oranye, N. O., Nnonyelu, N. A., & Ughenu, A. (2024). The rise of radical Islamic fundamentalism and violence against women in Nigeria. *World Affairs*.1-16. DOI: 10.1002/waf2.12039
- Ozer, S., & Bertelsen, P. (2018). Capturing violent radicalization: Developing and validating scales measuring central aspects of radicalization. *Scandinavian journal of psychology*, 59(6), 653-660.
- Peracha, F. N., Ayub, A., Khan, R. R., Farooq, Z., & Zahra, A. (2017). Development and Validation of Indigenous Violent Extremism Beliefs Scale (VEBS). *Journal of Psychology and Behavioral Science*, 5(1), 53-62.
- Roose, J. M., Flood, M., Greig, A., Alfano, M., & Copland, S. (2022). *Masculinity and violent extremism*. Cham: Palgrave Macmillan.
- Roose, J., Flood, M., & Alfano, M. (2020). *Challenging the use of masculinity as a recruitment mechanism in extremist narratives*. Department of Justice and Community Safety.
- Rottweiler, B., Clemmow, C., & Gill, P. (2023). A common psychology of male violence? Assessing the effects of misogyny on intentions to engage in violent extremism, inter-personal violence and support for violence against women. *Terrorism and Political Violence*, 1-26.
- Richardsen, C., Ba, D. M., Ssentongo, A. E., & Ssentongo, P. (2024). Spatial clustering of domestic violence attitudes toward women in Ghana. *PLOS Global Public Health*, 4(5), e0003261.
- Schweppe, J., & Perry, B. (2021). A continuum of hate: Delimiting the field of hate studies. *Crime, Law and Social Change*, 77(5), 1-26.

- Schmid, A. P. (2013). Radicalisation, de-radicalisation, and counter-radicalisation: A conceptual discussion and literature review. *ICCT research paper*, 97(1), 22.
- Sian, K. (2017). Born radicals? Prevent, positivism, and “racethinking”. *Palgrave Communications*, 3(1), 1–8.
- Thorburn, J., Powell, A., & Chambers, P. (2022). A world alone: Masculinities, humiliation and aggrieved entitlement on an incel forum. *The British Journal of Criminology*, 63(1), 238–254.
- United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC). (2018). Radicalization' and 'violent extremism. Retrieved from <https://www.unodc.org/e4j/zh/terrorism/module-2/key-issues/radicalization-violentextremism.html>
- Van Prooijen, J. & Krouwel, A. P. M. (2017). Extreme political beliefs predict dogmatic intolerance. *Social Psychological and Personality Science*, 8(3), 292-300.

